روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۲۹ مهر ۱۳۹۴ • ۶ محرم ۱۴۳۷ • ۲۰ اکتبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۲۷ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۴۰ • اذان صبح‌فردا ۴:۵۳ • طلوع آفتاب ۶:۱۶

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

به پیشنهاد شهرداری تهران انجام خواهد شد:

نصب پله‌برقی در کوه‌سنگی مشهد

پوریا عالمی

• پشمچی‌زاده، معاون شهردار تهران، گفت: «تمرکز ما بر حفظ بافت تاریخی و نمایه هویت شهر است چراکه بافت تاریخی به دلیلی ماندگاری و پذیرش اجتماعی خاطرات جمعی زیادی برای شهروندان دارد».

تهران آه کشید و گفت: جونِ پشمچی‌زاده دست روی دل من نذار و نمک روی زخمم نریز. خاطره جمعی کجا مونده؟ حتی به پله‌های خیابون ولیعصر هم رحم نشد. پله‌رو برداشتند جاش پله‌برقی بذارند؟ چهارراه ولیعصرم‌رو دیدی چی شد؟ به جون شما مثل قطع‌عضو بود برام. هنوز جاش درد می‌کنه. آخه این الان میدون انقلابه؟ میدون ولیعصررو دیدی؟ خاطره جمعی چیه برادر؟ خاطره تفریقی کردید تهران‌رو. تنم تکه‌تکه شده. هی ازم کم شده. آب شده گوشتم. میدون رسالت رفته بودی؟ حالا من کاری به این اتوبان‌ها ندارم که روی صورتم هی خط می‌کشند. ولی پل جوادیه‌رو یک گوشه‌ش‌رو نگه می‌داشتید الکی هم شده. همین دیگه. عشق کلنگ‌زدن و روبان‌پاره‌کردنید. پشمچی‌زاده تو خودت بری مشهد ببینی کوه‌سنگی‌رو خراب کردند پله‌برقی گذاشتند از تعجب موهات نمی‌ریزه؟

پشمچی‌زاده، معاون شهردار تهران، گفت: چی بگم. من خیلی دوست داشتم خاطره جمعی ایجاد کنم. ولی گویا خاطره ضربدری ایجاد کردم.

تهران آه کشید و گفت: جون پشمچی‌زاده این کارها که می‌کنید با هدف حل مشکل ترافیکه؟

پشمچی‌زاده گفت: بله.

تهران آه کشید و گفت: جون پشمچی‌زاده این ساختمون‌سازی‌ها و این کوه‌خواری‌ها چی؟ اون هم برای حل مشکل ترافیکه؟

پشمچی‌زاده گفت: بله.

تهران آه کشید و گفت: قربون دستت. با این ساختمون‌سازی‌ها یه کاری کردید نه باد میاد نه باد میره. از دست شما هوام خیلی گرفته.

پشمچی‌زاده گفت: بله. حالا صبر کن. چندتا حرکت دیگه بزنیم بغض کنی. یه‌طوری می‌خوایم بکنیم که شهرهامون شبیه هم شه. یکی بیاد تهران احساس غربت نکنه و فکر کنه مشهده. یه تهرانی بره سبزوار حس کنه تهرانه. یه تهرانی بره مشهد اصلا چیزی حس نکنه. فکر کنه هنوز تهرانه و همون‌طوری با لباس خونه بیاد قدم بزنه.

تهران آه کشید و هیچی نگفت. پشمچی‌زاده دوباره گفت: «تمرکز ما بر حفظ بافت تاریخی و نمایه هویت شهر است چراکه بافت تاریخی به دلیل ماندگاری و پذیرش اجتماعی، خاطرات جمعی زیادی برای شهروندان دارد».

تهران آه کشید و گفت: از طلاگشتن پشیمان گشته‌ایم بی‌زحمت تو نزن چشم من‌رو در نیار ابرو برداشتنم پیشکش پشمچی‌زاده‌جان.

فداگذرانی

• مؤسسه رخداد تازه اندیشه در ادامه سلسله‌نشست‌های «جامعه و مستند» این‌بار مستند «جشن تکلیف» به کارگردانی فیروزه خسروانی را نمایش می‌دهد. مراسم جشن تکلیف دختران چندوقتی است در مدارس رایج شده تا آنها را با احکام و فلسفه تقلید و مسئله حجاب آشنا کند. خسروانی برای مشاهده تاثیر چنین مراسمی در زندگی دانش‌آموزان دختر، پس از فیلم‌برداری از این جشن، به فاصله هشت سال مجددا به سراغ سوژه‌های خود می‌رود و زندگی روزمره آنها را تصویر می‌کند و به گفت‌وگو با آنها می‌نشیند. این مستند یکشنبه، سوم آبان، ساعت ۱۸ تا ۲۰ با حضور کارگردان مستند در محل رخداد تازه اندیشه به نشانی خیابان ولیعصر، نبش فاطمی، خیابان ابن‌سینای غربی، پلاک پنج، طبقه چهار به نمایش درخواهد آمد. علاقه‌مندان برای رزرو صندلی با شماره ۸۸۹۷۱۸۷۳ تماس بگیرند.

کارتون خواب

مهدی عزیزی

گزارش فردا

برنامه‌های محرم در فضای مجازی گل می‌کند

بازگشت «نذری‌یاب»

سعید برآبادی: در اولین هفته ماه محرم، انواع و اقسام خدمات محرمی در فضای مجازی به راه افتاده و سعی می‌شود مردم از طریق اس‌ام‌اس‌های تبلیغاتی، تلگرام و فیس‌بوک با این خدمات آشنا شوند. معروف‌ترین نمونه پیامکی این خدمات، اجاره آمپلی‌فایر است که در نوع خود یک تبلیغ عجیب به شمار می‌رود. در آن‌سو، یعنی در تلگرام وضع بهتر و کار جدی‌تر است. چندین اپلیکیشن جدید، چند شبکه خبری تازه و گروه‌های تلگرامی در حال فعالیت هستند تا مردم را از اخبار محرم و فعالیت‌های مذهبی این روزها باخبر کنند.

حاشیه‌های نذری‌یاب

«نذری‌یاب» دوباره برگشته است، این‌بار اما نه در قالب یک سایت بلکه به‌عنوان نرم‌افزاری که دانلود آن سه‌روزی است در «کافه بازار» آغاز شده است. دو سال پیش سایت نذری‌یاب در حوالی ماه مبارک محرم شروع به کار کرد تا اطلاعات نذری در سطح تهران را در اختیار همگان قرار دهد اما درست روز عاشورا و درحالی‌که آمار بازدیدش فراتر از حد انتظار رفته بود، فیلتر شد. داوود مظفری، یکی از گردانندگان نذری‌یاب، به «شرق» می‌گوید حالا با این نرم‌افزار، دسترسی آسان‌تر و فراگیرتری برای همه شهروندان تهرانی مهیا شده تا در ایام محرم بتوانند مردم را از نذری‌های خود در گوشه‌گوشه شهر مطلع کنند. به گفته او، در این مدت حدودا دوهزارو ۵۰۰ نفر این نرم‌افزار را دانلود کرده‌اند و اگر میزان دانلود آن به ۱۰ هزاربار برسد، هزینه طراحی‌اش جبران خواهد شد. به گفته او، نذری‌یاب در این چهار سال انواع فشارها را از گروه‌های مختلف تحمل کرده، مظفری حالا امیدوار است، این برنامه در قالب یک نرم‌افزار بتواند به تحقق ایده اولیه طراحی چنین فضایی برسد: «ایده اولیه نذری‌یاب، تلاش برای پرکردن فاصله سنت و مدرنیته بود، می‌خواستیم مردم راحت‌تر و مدرن‌تر بتوانند در این سنت حسنه شرکت و دیگران را در سفره خود سهیم کنند». در این مدت، نذری‌یاب از سوی گروه‌های مختلف با مشکلات متعددی مواجه شده: «آن‌موقع که نذری‌یاب به صورت سایت راه افتاد، گروهی شبهاتی را در موردش به وجود آوردند و گروهی دیگر هم به ما بدوبیراه گفتند اما مهم این است که فعالیت‌هایی این‌چنینی چطور تفسیر شود چون هیچ‌وقت یک کار مثبت با واکنش مثبت مواجه نمی‌شود». دو سال پیش سایت نذری‌یاب مورد هجمه قرار گرفت و خبر فیلترشدنش منتشر شد. اما روایت مظفری متفاوت با این روایت رسمی است: «داستان دو روز مانده به تاسوعا شروع شد، روز عاشورا سایت توسط کمیته مصادیق فیلتر شده بود و فردایش هم رفع فیلتر شد. از طرف کمیته مصادیق هم ایمیلی به سایت رسید و بابت اشتباه در فیلترکردن سایت عذرخواهی کردند». در میان این هجمه‌ها، مردم اما از نرم‌افزار نذری‌یاب استقبال خوبی کرده‌اند با این تفاوت که امسال، هدف اصلی این نرم‌افزار، ثبت نذری‌هاست.

رایحه نور یک نرم‌افزار محرمی

نمونه‌اش را می‌توان در نرم‌افزار «رایحه نور» دید؛ یک نرم‌افزار کاملا رایگان که قرار است علاوه بر اطلاع‌رسانی فعالیت‌های هیأت‌های مذهبی، به کاربران خود، ادعیه منتخب، نواها و نماهای مرتبط با ماه محرم و انواع سخنرانی‌های مذهبی و مداحی‌ها را به رایگان تقدیم کند. اشرفی، سازنده این نرم‌افزار به «شرق» می‌گوید یکی، دو روز پس از راه‌اندازی این نرم‌افزار، بیش از صد بار دانلود شده و درحال‌حاضر حداقل ۷۰۰ نفر در آن آنلاین هستند. ایده اولیه «رایحه نور»، همان خلأیی است که سال‌ها در مورد فعالیت‌های مذهبی احساس می‌شده و حالا اشرفی می‌گوید این نرم‌افزار قصد برطرف‌کردن آن را دارد: «سعی کردیم اطلاعات متنوعی درباره محرم و فعالیت‌های مذهبی این ماه به صورت رایگان و آنلاین در اختیار مردم متدین قرار گیرد». دراین‌میان نهادهایی هم قول داده‌اند بیلبوردهایی را در شهر به تبلیغ این نرم‌افزار اختصاص دهند و برخی از هیأت‌های مذهبی و مساجد هم خبر راه‌اندازی آن را به گروه‌های تلگرامی خود اطلاع داده‌اند. این برنامه‌ها اما محدود به فعالیت‌های دنیای مجازی نیست، در شهر هم چند نقطه‌ای به کارهای فرهنگی در زمینه محرم پرداخته‌اند؛ موزه عکاسخانه شهر، قرار است نمایشگاه عکس «هیأت سابقه» را برگزار کند و تکیه «آفتاب در حجاب» ویژه برنامه‌ای برای آشنایی با بانوان حادثه کربلا ترتیب داده. برای بچه‌ها و کودکان هم، برنامه‌ای با عنوان «جلوه سوگ» در میدان امام‌حسین(ع) برپاست که قرار است قصه‌های عاشورایی را به زبان ساده برای مخاطبان بازگو کند.

سلام به فردا

اثر رفع تحریم‌ها، بلندمدت است

عبدالحسین مختاباد

رفع تحریم‌ها تأثیرات فراوانی خواهد داشت، اما نکته قابل تأمل در این رابطه این است که این تأثیرها بلندمدت است و نباید انتظارهای زیادی در کوتاه‌مدت از این تأثیرها داشته باشیم. با وجود این در زمینه اقتصاد فرهنگ و هنر، با برداشته‌شدن تحریم‌ها اتفاقات مهمی روی خواهد داد زیرا در بخش ارتباطات فرهنگی و هنری با وجود تحریم، در این سال‌ها ارتباطات و رفت‌وآمد بزرگان فرهنگ و هنرمندان با کشورهای غربی برقرار بود و پس از این نیز این روابط ادامه پیدا خواهد کرد؛ به‌ویژه تکنولوژی‌های نوین ارتباطی فرصتی را در اختیار هنرمندان قرار داده است تا بتوانند به‌راحتی با هنرمندان جهانی در ارتباط باشند و در رویدادهای هنری و فرهنگی شرکت کنند. فراموش نکنیم در همان زمانی که کشور درگیر مسئله تحریم بود، سینمای ایران موفق به کسب جایزه اسکار شد، اما اقتصاد هنر که در این مدت با مشکلاتی روبه‌رو بوده است، با لغو تحریم‌ها رونق خواهد گرفت و ورود شرکت‌های بزرگ به ایران می‌تواند حمایت‌های مالی و اسپانسرینگ را برای هنرمندان فراهم کند. مسئله سرمایه‌گذاری و تأمین فایننس در زمینه فرهنگی و اجتماعی یکی از مشکلات این سال‌ها بوده است که حتی در مسائل شهری نیز شاهد تأثیرهای منفی تحریم‌ها بوده‌ایم. برداشته‌شدن تحریم، با ورود تکنولوژی‌ها و سرمایه‌های خارجی در حوزه شهری همراه خواهد شد. امروز در شهر تهران نیازمند قطارهای جدید برای خطوط مترو، همچنین نیازمند اتوبوس، دستگاه‌ها و تکنولوژی‌های بازیافت زباله شهری، خودروهای هیبریدی پاک و... هستیم که با بازشدن خطوط اعتباری بین بانک‌های ایرانی و بانک‌های خارجی، تأمین این تجهیزات امکان‌پذیر می‌شود.

گزارش فردا

مرگ پابه‌پای کارحرفه‌ای

گرفتن نوبل ادبی برای یک روزنامه‌نگار که از مخالفان دولت محسوب می‌شد، اتفاقی خوشایند برای روزنامه‌نگاران محسوب می‌شود، اما این همه لحظه‌های خوب برای روزنامه‌نگاران و خبرنگاران نیست. تظاهرات ضددولتی اخیر در ترکیه به تهدید چند خبرنگار منجر شد به‌طوری‌که یکی از ویدئوهای منتشرشده از این تظاهرات نشان می‌دهد پلیس ضدشورش این کشور بر شقیقه خبرنگاری تفنگ گذاشته است و او را تهدید می‌کند. این اما اولین‌باری نیست که خبرنگاران در مسیر فعالیت حرفه‌ای دچار تهدید و خطر می‌شوند. کمیته حمایت از خبرنگاران (CPJ) هرسال فهرستی از خبرنگارانی که در هنگام کار کشته شده‌اند، ارائه می‌دهد. این کمیته اعلام کرده است در سال ۲۰۱۵ تاکنون ۶۲ روزنامه‌نگار کشته شده‌اند که شاید معروف‌ترین آنها «آلیسون پارکر» و «آدام وارد»، دو خبرنگار شبکه «سی‌بی‌اس» آمریکا باشند که هنگام پوشش زنده یک برنامه تلویزیونی در ایالت ویرجینیا به ضرب گلوله کشته شدند. این کمیته در آخرین گزارش سال خود آمار روزنامه‌نگاران کشته‌شده از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۱۵ را ارائه کرده است. براساس این گزارش ۲۰۱۲ مرگبارترین سال برای خبرنگاران و روزنامه‌نگاران بوده است زیرا در این سال ۱۰۴ روزنامه‌نگار کشته شدند. آمار این کمیته نشان می‌دهد ۹۳ درصد از روزنامه‌نگاران کشته‌شده در این سال‌ها مرد و هفت درصد آنها زن بوده‌اند. همچنین ۵۰ درصد از کشته‌شدگان، خبرنگاران نشریات مکتوب بوده‌اند. به‌علاوه براساس این آمار ۶۰ درصد از این کشته‌شدگان به قتل رسیده‌اند و ۲۱ درصد از آنها در جنگ و درگیری کشته شده‌اند. عراق، سوریه، فیلیپین، الجزیره، سومالی، روسیه، پاکستان، کلمبیا، هند و مکزیک کشورهایی هستند که بیشترین تعداد خبرنگار و روزنامه‌نگار در آنها کشته شده‌اند. در طول تاریخ روزنامه‌نگاری، سال ۲۰۱۴ نیز یکی از سال‌های تلخ برای روزنامه‌نگاران جهان بود و تصویر گردن‌زدن «جیمز فولی»، خبرنگار، توسط داعش واکنش‌های زیادی را در سرتاسر جهان برانگیخت. تاریخ روزنامه‌نگاری از این اتفاقات تلخ زیاد به خود دیده که در برخی از آنها می‌توان ردپای صاحبان قدرت و ثروت را دید. یکی از معروف‌ترین روزنامه‌نگارانی که قربانی فساد صاحبان قدرت شد، Feng Zhaoxia، خبرنگار چینی، است که جسدش در حال تهیه یک گزارش تحقیقی درباره گروه‌های جنایتکار در چین و ارتباط آنها با سیاست‌مداران فاسد محلی پیدا شد. قاتلان شکافی با چهار اینچ طول و یک‌ونیم اینچ عمق روی گلویش ایجاد کرده و او را درون خندقی بیرون از شهر انداخته بودند. پلیس چین اما علت مرگ او را خودکشی اعلام و مطبوعات محلی را از نوشتن درباره او منع کرد. «خوزه لوئیس اورتگا ماتا»، سردبیر یک هفته‌نامه در مکزیک، یکی دیگر از این قربانیان است. او در یک گزارش تحقیقی پرده از ارتباط دادستان کل فدرال با قاچاقچیان مواد مخدر برداشت. او در این گزارش نشان داده بود چگونه قاچاقچیان مواد مخدر بودجه کار مبارزات انتخاباتی سیاست‌مداران محلی را تأمین می‌کنند. در ۱۹ فوریه ۲۰۰۱، جسد اورتگا با دو گلوله در سر پیدا شد. همچنین «ایگور الکساندروف به‌تور» که در اوکراین یک برنامه تلویزیونی داشت، مورد ضرب‌وشتم چندین مهاجم ناشناس قرار گرفت و چهار روز بعد در اثر ضرباتی که مهاجمان با چوب بیسبال به او وارد کرده بودند، فوت کرد. برنامه او به نام «بدون‌سانسور» گزارش‌هایی تحقیقی از فساد دولتی و جرم و جنایت سازمان‌یافته در اوکراین را به نمایش می‌گذاشت. «روبن اسپینوزا»، خبرنگار روزنامه AVC Noticias، نیز امسال در مکزیک به قتل رسید که هنوز ردپایی از قاتلانش پیدا نشده است. او درباره قاچاقچیان مواد مخدر گزارش تهیه می‌کرد. آنیا نایدرینگهاوس، لوک سوُمرز، کامیل لوپاژ، میشل دو سیله، آنوک کوای نایِنگ، سیمونه کَاملی، آندره استنن، آندریا روکوچلی، علی مصطفی، توراد محمد الظهوری و فرانکلین ری‌یز دیگر خبرنگارانی هستند که در سال گذشته حین انجام کار کشته شدند و تنها فرانکلین ری‌یز به‌خاطر تصادف رانندگی هنگام تهیه گزارش کشته شد و بقیه در جریان پوشش خبری جنگ‌های خاورمیانه یا آفریقای‌جنوبی در اثر اصابت بمب یا توسط گروه‌های خشونت‌طلب به قتل رسیده‌اند. با وجود این، اما خبرنگاران در تمام دنیا برای رساندن تازه‌ترین خبرها مشغول کار هستند تا شاید بتوانند بر آگاهی بیفزایند و از رنج و آلام عمومی کم کنند.

آینه‌های روبه‌رو

۳۰ سال شمربودن

معصومه اصغری: در میدان تعزیه که یک‌سو اهل بیت و یک‌سو اشقیا هستند، شمر در صدر شخصیت‌های تأثیرگذار بر مردم است. «محسن محمدی» شمربودن را انتخاب کرده و حالا نزدیک به ۳۰ سال است که با این لباس قرمز پرهیبت، نعره‌های کوبنده و ظاهر خشن، مردم را میخکوب می‌کند. وقتی او در معرکه است، فضای تعزیه شور و هیجان دیگری دارد و طبل و دهل‌ها تندتر می‌نوازند و مردم چشم از او برنمی‌دارند.

از چه سالی شمر شدید؟

از سال ۱۳۶۴ که وارد دستگاه امام حسین(ع) شدم، مخالف‌خوانی داشتم و نقش اشقیا و حکام جور را بازی می‌کردم. اولین نقشم غلام هارون بود و از آن به‌بعد به‌خاطر صدای کلفت و چهره و واکنش‌های مردم، شمر شدم و در همه این سال‌ها شمر ماندم. مسئله این است که ما وسیله هستیم برای آگاهی‌دادن به مردم و در کنار آن محزون‌شدن آنها. باید نقشمان را با قساوت بیشتری انجام دهیم تا صحنه کربلا را بیشتر مجسم کنیم و لعن بیشتری را همراه این ظلمای جور کند.

«شمر»بودن، سخت است؟ برای شمربودن کدام حس‌ها یا حالت‌ها را در خودتان بیشتر کرده‌اید؟

شمربودن فقط نعره‌های بلند و لباس قرمزپوشیدن نیست! مجبوریم در برخی جاها با تن صدا، خشم را نشان دهیم. برخی جاها با نگاه یا حرکات فیزیکی این قساوت و تندی و خشم را نشان می‌دهیم، تا مستمع و تماشاگر، ظلم و درد موجود را بیشتر درک کنند.

وقتی شمر هستید، مردم اشک می‌ریزند و واکنش‌های مختلفی دارند. این وضعیت کار شما را سخت می‌کند، چه می‌کنید تا رفتارتان تغییر نکند؟

در شرایطی که شمر شروع به پرخاش و تندی و بی‌احترامی می‌کند، یا می‌جنگد یا عزیزی از ائمه را صدمه می‌زند یا اصلا سر مبارکشان را می‌برد، مردم نگاه تلخ و سختی دارند. چهره‌هایشان اشکبار می‌شود و حتی با فریاد واکنش نشان می‌دهند. در این شرایط من باید نقش شمربودنم را با قوت بیشتری ادامه دهم و این قساوت را بیشتروبیشتر کنم تا به هدفم برسم. درعین‌حال نگاه مردم به من مثل سایر افراد در تعزیه نیست؛ بارها در احادیث خوانده‌ام که اجر اشخاصی که باعث توجه و آگاهی و حتی گریه‌های مردم برای مظلومیت اهل بیت(ع) می‌شوند، بیشتر است. به‌همین دلیل از کارم راضی هستم.

می‌خواهم بدانم حس خودتان، فارغ از نقش شمر چیست؟

از اینکه مردم واقعیت یک شخصیت را درمی‌یابند، خوشحال می‌شوم و سعی می‌کنم این قالب را بیشتر و درست‌تر انجام دهم تا شمر بیشتر لعن شود.

این‌قدر که در سمت اشقیا و لباس قرمز بودید، دوست نداشتید در سمت دیگر و با لباس‌های سبز باشید؟

البته من به‌دلیل شرایط فیزیکی و صدایم می‌توانم موافق‌خوانی را هم انجام دهم، ولی چون در این سال‌ها چهره‌ام در مخالف‌خوانی آمده، دیگر خودم راضی نمی‌شوم که در چهره شخصیت‌های موافق بروم. احساس می‌کنم مردم من را با نقش مخالف دیده‌اند و اگر نقش موافق بخوانم دیگر آن اثر را ندارد و همچنان من را با دید مخالف می‌بینند و این خوب نیست.

در این سال‌ها اتفاق افتاده که در بخشی از تعزیه، از اینکه شمر بوده‌اید خیلی ناراحت یا خیلی خوشحال شوید؟

هر دو حالت بوده است؛ بارها شده که با اجرای هرچه‌تمام‌تر شمر، تعزیه بهتر اجرا شده و مردم هم استفاده بیشتری برده‌اند و من هم راضی بوده‌ام. برخی مواقع هم بوده که در حین تعزیه بیشتروبیشتر، به مظلومیت امام‌حسین(ع) و اهل بیت او ایمان می‌آورم و غم تلخی دارد.

تا به‌حال مردم واکنش‌های تندی به شمر داشته‌اند؟

گاهی نقش آن‌قدر جدی و خشن می‌شود که مردم و حتی همکاران تعزیه به‌شدت تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند. برخی از مراسم‌ها، مثل تعزیه «امام حسین(ع)» یا «بازار شام» که مردم بیشتر با اهل بیت در تعزیه روبه‌رو هستند، واکنش‌ها هم بیشتر می‌شود.

اتفاق افتاده که از میان حاضران در تعزیه کسی به شما به‌عنوان شمر لعن بفرستد یا واکنشی داشته باشد؟

یک‌بار در مجلسی، نقش قاتل حضرت علی‌اکبر(ع) را بازی می‌کردم، یک مادر از بین جمعیت بلند شد و با اشک و زاری بلندبلند می‌گفت، آقا تورو خدا آروم‌تر. آن زن زانوبه‌زانو بین جمعیت جلو می‌آمد و قسمم می‌داد که آهسته‌تر.

الان که صحبت می‌کنید، صدایتان کامل گرفته و با فریادهای بلندی که می‌زنید، حنجره‌ای برایتان نمی‌ماند، این شرایط را چطور مدیریت می‌کنید تا صدمه‌ای هم نبینید؟

البته هرسال از شب‌های اول این گرفتگی صدا را ندارم و امسال به دلیل یک سرماخوردگی، گرفتگی صدا بیشتر شد. به‌هرحال هرچقدر سیستم صوتی خوب باشد، فریاد ما کم نمی‌شود و این گرفتگی صدا اتفاق می‌افتد. البته در خانه یک گروه درمانگر داریم و همسر و دخترم هوای گلوی من را دارند و با انواع جوشانده و داروهای گیاهی، سعی می‌کنند صدای من را نگه دارند.

در این سال‌ها سعی کرده‌اید شمربودن را به کسی یاد دهید؟

انجمنی در هیأت خودمان داریم که در این سال‌ها با جلسات متعددی که غیر از ایام محرم در طول سال برگزار می‌شود، افراد علاقه‌مند همراه را آموزش می‌دهیم. آنها هم با نسخه‌های کوچک مخالف‌خوانی شروع می‌کنند و با دید و استعدادی که دارند می‌توانند وارد مراسم‌های مهم‌تر شده و روزی شمر شوند.

آن‌سوی جهان

خداحافظ گوشی‌های هوشمند، سلام کتاب‌خوانی

شهرداری شهر گرنوبل، از شهرهای فرانسه، در جدیدترین طرح خود تصمیم گرفته است خواندن متون کلاسیک ادبیات فرانسه را دوباره در سبد شهروندان خود قرار دهد. ایده این کار البته بسیار ساده است. در مکان‌های عمومی شهر و به‌ویژه ایستگاه‌های قطار، اتوبوس و محل‌هایی که مردم مجبورند دقایقی را به انتظار سپری کنند، دستگاه‌هایی نصب شده که با فشاردادن یک دکمه کاغذهایی به عرض هشت سانتی‌متر و طول ۶۰ سانتی‌متر به شهروندان داده می‌شود که روی آنها داستان کوتاهی از ادبیات کلاسیک فرانسه یا شاهکارهای ادبیات دنیا نوشته شده است. Christophe Sibieude، از بنیان‌گذاران طرح «نسخه کوتاه»، درباره این طرح گفته است: «ایده این طرح از دستگاه‌های فروش اتوماتیک شکلات و نوشیدنی به ذهنمان رسید. به خودمان گفتیم می‌توانیم همین کار را با ادبیات مورد پسند عامه مردم و با کیفیت خوب انجام دهیم تا لحظات تلف‌شده مردم را پر کنیم». او همچنین تأکید کرده است که امروز مردم معمولا در لحظات انتظار سر خودشان را با گوشی‌های هوشمندشان گرم می‌کنند درحالی‌که می‌توان با این کار دوباره آنها را به خواندن متن کاغذی تشویق کرد. درحال‌حاضر هشت دستگاه اتوماتیک پخش داستان‌های کوتاه در گرنوبل نصب شده که استفاده از آنها رایگان است. در رسانه‌های فرانسه، شهر گرنوبل به‌خاطر آمار بالای جرم و جنایت مورد انتقاد است اما اجرای طرح‌هایی از این دست این امید را ایجاد می‌کند که گرنوبل که سابقا شهری فرهنگی شناخته می‌شد، دوباره با همین شهرت شناخته شود. البته این اولین‌بار نیست که گرنوبل با اقدامی فرهنگی در صدر اخبار قرار گرفته است. پیش از این در سال ۲۰۱۴ شهرداری استفاده از تبلیغات تجاری در خیابان‌های این شهر را قدغن کرده بود.